



# لزوم روشمند ساختن مطالعات ادب عامیانه

ملاحظه‌ای بر فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها

## چکیده

در تلاشی برای سامان دادن به مجموعه‌ی قصه‌های عامیانه‌ای که در اروپای قرن نوزدهم در حال گسترش چشمگیری بود، دانشمندان ادب عامه دست به طبقه‌بندی قصه‌ها زدند. این تلاش‌ها سه نظام طبقه‌بندی اساسی را برای روایات عامیانه شکل دادند که به ترتیب: تیپ یا گونه‌ی قصه، موتیف یا بن‌مایه قصه و کنش‌ها یا خویشکاری‌های موجود در قصه‌ها را بررسی می‌کردند. نظام‌های نخست و سوم تا حدودی برای پژوهشگران ایرانی آشناست، اما نظام دوم که در تکمیل نظام نخست به وجود آمد کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است.

در مکتب فنلاندی طبقه‌بندی قصه‌ها که استیث تامسون، فولکلورریست آمریکایی پیرو آن است و در تکمیل آن سعی وافر نموده است، اساس، مضمون داستان‌هاست. تامسون در ادامه‌ی طبقه‌بندی تیپ‌های قصه، به طبقه‌بندی بن‌مایه‌های داستان‌ها دست زد به این دلیل که حدود بیش از نیمی از تیپ‌های قصه، تنها یک بن‌مایه‌ی روایی داشتند.

این مقاله می‌کوشد تا با روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای، تاریخچه‌ی پژوهش در طبقه‌بندی قصه‌ها را بر اساس سه نظام اصلی تبیین کند، ضرورت دسته‌بندی عناصر ادب عامیانه را یادآوری نماید و شیوه‌ی کمتر شناخته‌شده در این حوزه یعنی فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها را با ذکر مثالی شرح دهد. از آن‌جا که دسته‌بندی بن‌مایه‌ها به تسهیل مطالعه‌ی متون کمک می‌کند و به شناخت ماهیت روایات عامیانه یاری می‌رساند؛ دسته‌بندی بن‌مایه‌ها در روایات عامیانه‌ی ایرانی با آن حجم عظیم قصه‌ها که تا حدودی بررسی تک به تک آنان را دشوار ساخته است، به مطالعه‌ی علمی و روشمند این پاره‌ی تقریباً به فراموشی سپرده‌شده‌ی ادبیات این سرزمین کمک شایانی می‌نماید و طرحی منسجم و به‌سامان را برای آن رقم می‌زند که هم می‌تواند به منزله‌ی متممی بر فهرست تامسون به شمار آید و هم ویژگی‌های روایات عامیانه‌ی ایرانی را هر چه بیشتر آشکار سازد و نیز بر غنای فهرست جهانی بن‌مایه‌ها بیفزاید.

نتیجه این که این شیوه‌ی طبقه‌بندی کاملاً بر روایات ایرانی منطبق است و به کمک آن قصه‌ها به شیوه‌ای علمی فهرست می‌شوند و بدین وسیله راه برای پژوهش‌های آتی به ویژه پژوهش‌های تطبیقی هموار می‌گردد.

واژگان کلیدی: گردآوری و طبقه‌بندی قصه‌ها، روایات عامیانه، بن‌مایه، فهرست بن‌مایه‌ها

## ۱- مقدمه

هر سرزمین و اقلیمی میراث فرهنگی منحصر به فردی دارد که میان نسل گذشته و امروزش  
پل

اما امروزه معنای آن ژرف تر شده و گسترش یافته است و دیگر منحصر به میراث‌های مادی و عینی نیست بلکه مجموعه‌ی میراث معنوی به جا مانده از گذشتگان را هم در بر می‌گیرد. یکی از این مجموعه‌ها فولکلور یا دانش عوام است که مظهر هویت اجتماعی و فرهنگی يك قوم به شمار می‌رود. فولکلور شامل جنبه‌های مختلفی از زندگی يك ملت مثل موسیقی و شعر، اعتقادات و باورهای عامیانه و نیز قصه‌گویی است.

قصه‌های عامیانه پیام‌هایی معنادار را از گذشته‌های دور هر فرهنگ و سنتی به دنیای امروز منتقل می‌کنند. این قصه‌ها در طول سالیان و در نسل‌های متوالی دگرگون شده، خود را با شیوه‌های زندگی روزمره تطبیق داده و به این شیوه در سنت باقی مانده‌اند.

امروزه در این دنیای صنعتی رو به پیشرفت بیم آن می‌رود که این میراث کهن بشری نابود شود. ضرورت حفظ و نگاه‌داشت قصه‌ها فقط مربوط به حفظ سنت و میراث فرهنگی نیست بلکه این منابع کهن بشری اگر به شکل سنجیده‌ای استفاده شوند، می‌توانند چهارچوب‌هایی محکم برای فرهنگ باشند و آبخورهای مناسبی برای آن فراهم آورند. قصه‌ها می‌توانند اخلاق، نگرش‌های مختلف، ثبات و بردباری شخصی و خلاصه بسیاری از ارزش‌های نیک را به شکلی مؤثر آموزش دهند و ملتی را به سوی بهترین شاخص‌های فرهنگی رهنمون باشند.

یکی از قدم‌های مؤثری که تقریباً از قرن نوزدهم میلادی برای حفظ و صیانت قصه‌های عامیانه و نیز شناساندن آن‌ها برداشته شد، فهرست کردن و طبقه‌بندی این گونه قصه‌ها بود. امروزه نظام‌های طبقه‌بندی بسیاری برای این پاره‌ی ادب عامیانه ابداع شده‌اند که سه نظام عمده و اساسی به شکل اصلی‌ترین راهنمای پژوهشگران درآمده‌اند. اولین فهرست، فهرست تیپ یا گونه‌های قصه است که اولین بار به دست آنتی آرنه پایه‌گذاری شد و بعدها استیث تامسون و اخیراً هانس یورگ او تر آن را تکمیل کردند و به نظام (ATU) شهرت دارد. فهرست بن‌مایه‌های قصه که استیث تامسون، فولکلوریست آمریکایی، آن را در تکمیل فهرست تیپ‌های قصه فراهم آورد، دومین شیوه‌ی طبقه‌بندی را ارائه می‌دهد و بالأخره ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه که پایه‌گذار آن ولادیمیر پراپ، فولکلوریست روسی بود، سومین نظام عمده‌ی طبقه‌بندی عناصر قصه است. دو نظام نخست در تکمیل يك دیگر با به عرصه‌ی وجود نهادند، اما نظام سوم نگرشی متفاوت را در بر داشت.

## ۱-۱- پیشینه‌ی نظام‌های طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه

طبقه‌بندی کردن در هر زمینه‌ی علمی که دربرگیرنده‌ی محتواهای مختلف و متعدد است بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا هر پاره‌ای از علم نیاز به بررسی و مطالعه‌ی ویژه دارد که فهرست کردن و طبقه‌بندی داده‌ها به این امر سهولت بیشتری می‌بخشد. استیث تامسون در این باره می‌گوید: «هر شاخه‌ای از علم قبل از این که موضوع جدی علمی به شمار آید، نیاز به طبقه‌بندی و فهرست شدن دارد. زمانی بود که زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی فقط مجموعه‌هایی بدون ترتیب، بی‌هدف و با عجله ترتیب یافته از حقایق و تئوری‌ها بودند و تنها زمانی زمینه‌ی مطالعه‌ی علمی همه‌جانبه‌ی آن‌ها فراهم شد که طبقه‌بندی منظمی بر روی آن‌ها صورت گرفت». (تامسون، ۱۹۷۷: ۴۱۳)

طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه نیز به دلیل گستردگی و تعدد منابع ضروری است. مطالعه‌ی این متون و دسترسی به محتوای قصه‌های گوناگون به ویژه زمانی که بحث مطالعات تطبیقی در میان است، بدون داشتن فهرستی منظم کاری تقریباً محال به نظر می‌رسد. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، آنتی آرنه، استیث تامسون و ولادیمیر پراپ پایه‌گذاران سه نظام طبقه‌بندی اساسی و بیشتر شناخته شده برای قصه‌های عامیانه‌ی جهان بودند.

نظام اول بر اساس تم (theme) یا مضمون قصه‌ها بود. این مضمون‌ها را نخستین بار آرنه در سال ۱۹۱۰ م. در فهرستی منظم ساخت که بعدها تامسون در سال‌های ۱۹۱۸ م. و ۱۹۶۱ م. به تکمیل آن همت گماشت. «بنیان آغازین این فهرست سه گروه عمده از قصه‌ها را شامل می‌شد که قصه‌های حیوانات، قصه‌های عامیانه‌ی مرسوم و قصه‌های فکاهی بودند، اما نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی آن به یاری هانس یورگک او تر در سال ۲۰۱۱ م. موجی جدید از دگرگونی را برای این فهرست به ارمغان آورد. در این فهرست جدید تلاش بر آن است تا مشکلات فهرست گذشته اصلاح شوند و این فهرست سامانی تازه یابد. هویداترین تغییر در این فهرست، افزایش گروه‌های عمده قصه از سه به هفت است. این فهرست اکنون شامل قصه‌های حیوانات، قصه‌های جادویی، قصه‌های مذهبی، قصه‌های واقع‌گرا، قصه‌های دیوهای احمق، حکایات و لطیفه‌ها، و قصه‌های قالبی است». (هریزمن و جمال‌الدین، ۲۰۱۳: ۳۵۳)

بنیان نظام دوم، یعنی فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها و ام‌دار تلاش‌های فولکلوریست آمریکایی، استیث تامسون است. از آن‌جا که شرح شیوه‌ی طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه در این فهرست موضوع اصلی این مقاله است، در پاره‌ای دیگر به طور کامل بدان می‌پردازیم.

شیوه‌ی پراپ برای تجزیه و تحلیل داده‌های قصه با نظام‌های قبلی متفاوت است. این نظام با رویکردی ساختارگرایانه کارکرد و خویشکاری شخصیت‌های قصه را تجزیه و تحلیل می‌کند. سی و یک کارکرد در این نظام طبقه‌بندی وجود دارد و همه‌ی آن‌ها پی در پی در یک داستان به عنوان ساختارهای اصلی ظاهر می‌شوند، در حالتی که کارکردی معین از روند قصه حذف شده باشد، در نظم بقیه کارکردها تأثیری نمی‌گذارد. پراپ هم‌چنین تصریح کرد که به جای مضمون برای آشکار ساختن تیپ یا گونه‌ی قصه، (چیزی که از نظر او درازگویی محض بود)، کارکرد را می‌توان جای‌گزین کرد؛ زیرا کارکرد می‌تواند همان کار را با دقت و شرحی ساختارگرایانه و هدفمند انجام دهد. در نتیجه قصه‌هایی که کارکردهای مساوی دارند زیر یک گروه از تیپ قصه دسته‌بندی می‌شوند. پراپ نتایج به دست آمده از پژوهش‌های خود را با عنوان ریخت‌شناسی قصه‌های پریان منتشر ساخت و نیت اصلی خویش را چنین عنوان نمود: «نیت اصلی آن بود که این پژوهش نه تنها ریخت‌شناسی قصه بلکه ساختمان منطقی خاص آن را نیز عرضه بدارد و به این ترتیب زمینه‌ی لازم برای بررسی قصه به عنوان اسطوره را فراهم سازد». (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۸)

از نظر پیشینه‌ی پژوهش در قصه‌های ایرانی، نظام اول و سوم تا حدودی شناخته شده هستند. نظام اول را اولریش مارزلف بر برخی قصه‌های ایرانی اعمال کرد و نتیجه‌ی پژوهش‌های خود را در کتابی با عنوان طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی به چاپ رساند که بعدها کیکاووس جهاننداری آن را به فارسی برگرداند. افشین نادری هم پس از گردآوری برخی قصه‌های عامیانه در کتاب نمونه‌هایی از قصه‌های مردم ایران، تیپ این قصه‌ها را طبق شیوه‌ی آرنه-تامسون دسته‌بندی و شماره‌گذاری کرده است.

گویی نظام سوم یعنی همان نظریه پراپ بیشتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است؛ زیرا پژوهش‌ها و مقاله‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف ادبیات فارسی، از ادبیات عامیانه گرفته تا ادبیات حماسی و غنایی بر اساس این شیوه تألیف شده‌اند، برای مثال تجزیه و تحلیل قصه‌ی سمک عیار بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ نوشته‌ی عباس خائفی و جعفر فیضی گنجین، ریخت‌شناسی داستان حسنک و زریه روایت بی‌بهری تألیف مینا بهنام، یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران نوشته‌ی علی محمد حق‌شناس و پگاه خدیش، ریخت‌شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتابیون تألیف خاور قربانی و کیوان گورک، تجزیه و تحلیل حکایاتی از گوش‌نامه بر اساس نظریه‌ی ولادیمیر پراپ نوشته‌ی فاطمه کوپا و عاطفه‌سادات موسوی، نیز کتاب

ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه‌ی فردوسی تألیف بهرام جلالی‌پور و نوشته‌هایی از این دست.

نظام دوم با این که در ادامه‌ی نظام نخست و در تکمیل آن پا به عرصه‌ی وجود گذاشت کمتر شناخته شده است و تاکنون پژوهشی که بدین شیوه به طور اختصاصی بر قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی اعمال شود صورت نگرفته است در صورتی که در جهان این شیوه بسیار پرکاربرد است و سالانه ضمیمه‌های مختلفی از بن‌مایه‌های قصه‌ها که مربوط به سرزمین‌های مختلف هستند بر این فهرست افزوده می‌شوند و زمینه‌ی مطالعات تطبیقی را هر چه بیشتر فراهم می‌سازند. تا به امروز، آثاری که درباره‌ی طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها منتشر شده‌اند در دنیا بسیارند، اما مواردی که مورد استفاده و در دسترس نگارنده قرار گرفته‌اند، بدین شرح هستند:

تامسون (۱۹۵۵-۱۹۵۸) ویرایش نهایی اثری مرجع را درباره‌ی طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های عامیانه در شش جلد به پایان رساند. وی بن‌مایه‌های روایات عامیانه را در بسیاری از سنت‌های روایی دنیا جمع‌آوری کرد. البته این فهرست هنوز کامل نشده است و با هر پژوهشی در زمینه‌ی بن‌مایه‌های روایات عامیانه در هر فرهنگ و کشوری، ضمیمه‌هایی بدان افزوده می‌شود.

کراس (۱۹۶۹) زیر نظر تامسون به فهرست کردن بن‌مایه‌های ادبیات کهن ایرلندی پرداخت. این کتاب از اولین فهرست‌هایی است که طبق شیوه‌ی تامسون و نیز تحت نظارت خود او منتشر شده‌اند.

مارزلف (۱۳۷۱) بر اساس شیوه‌ی آرنه - تامسون دست به طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه‌ی ایران زد. در این کتاب قصه‌های ایرانی از منابع موجود به شیوه‌ی مذکور شماره‌گذاری می‌شوند و در انتها فهرستی از بن‌مایه‌های این داستان‌ها به دست داده می‌شود، اما باید توجه کرد که این فهرست که به عنوان بخشی کامل‌کننده به این کتاب افزوده شده است، لزوماً بر اساس طبقه‌بندی تامسون نیست؛ زیرا به شیوه‌ی الفبایی و تنها با آوردن یک موضوع خاص (مانند آب) به عنوان بن‌مایه‌ی سرعنوانی فهرست‌بندی شده است.

گری و الشامی (۲۰۰۵) کتابی مرجع را در روش‌شناسی شیوه‌ی طبقه‌بندی تامسون، با گردآوری مقالاتی درباره‌ی انواع بن‌مایه‌ها و شرح و توصیف روش تامسون منتشر کردند.

الشامی (۲۰۰۶) فهرست بن‌مایه‌های هزار و یک‌شب را در کتابی مستقل منتشر نمود.

این کتاب یکی از آخرین فهرست‌هایی است که طبق شیوه‌ی تامسون نوشته شده است و زمینه‌ی مطالعات محتوایی را، درباره‌ی هزار و یک‌شب به عنوان کتابی از سنت روایی عرب، فراهم می‌آورد. این مقاله می‌کوشد تا با ارائه‌ی مثالی در شناساندن این شیوه و کاربردش در قصه‌های ایرانی گامی هر چند کوچک بردارد، بدان امید که روزی فهرستی کامل از بن‌مایه‌های قصه‌های ایرانی فراهم شود.

## ۲- بن‌مایه

پیش از این که به فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها بپردازیم جای آن دارد که مفهوم کلیدی این شیوه‌ی طبقه‌بندی قصه‌ها یعنی بن‌مایه یا موتیف (motif) را شرح مختصری بدسیم. از منظر ادبیات عامیانه برای بن‌مایه تعاریف متعددی در میان پژوهشگران رواج دارد. محققان ادب عامه از واژه‌ی بن‌مایه/موتیف برای عناصر داستانی تکرار شونده در طرح‌های داستانی روایات عامیانه استفاده می‌کنند (برای مثال؛ شخصیت‌های موجود، اهداف، اعمال و رویدادها). این واحدهای محتوایی که روایات منثور یا منظوم از آن‌ها یا از توالی آن‌ها شکل می‌گیرند، در پایان قرن بیستم برای مطالعات تطبیقی متون در ادب عامه مورد استفاده قرار گرفتند. طبق نظر آپو «استیث تامسون دامنه‌ی معنایی بن‌مایه/موتیف را گسترش داد... او توضیح داد که برخی بن‌مایه‌ها مانند «خلقت خورشید» می‌توانند مضمون/تم اصلی را در روایت بسازند. اصطلاح بن‌مایه حتی می‌تواند به طرح روایی داستان هم اطلاق شود و یا واحدهای کوچک‌تر روایت مثل یک رویداد واحد یا چندین رویداد متوالی و یا حتی داستان‌های فرعی را در برگیرد. برخی از این بن‌مایه‌ها ممکن است در طرح‌های داستانی گوناگونی ظهور یابند، مثلاً بن‌مایه‌ی «پرتاب موانع»، در قصه‌های مختلف به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود: وقتی قهرمان داستان در حال فرار است، چیزی مثل شانه، سنگ یا بطری آبی را پشت سرش پرتاب می‌کند و این اشیاء به طرز معجزه‌آسایی تبدیل به جنگلی انبوه، کوه و یا دریاچه‌ای می‌شوند که فرار او را امکان‌پذیر می‌سازند». (آپو، ۱۹۹۷: ۵۶۳)

داندس نیز می‌گوید: «تامسون بن‌مایه را کوچک‌ترین عنصر در قصه می‌داند که قدرت باقی ماندن در یک سنت روایی را دارد». (داندس، ۱۹۹۷: ۱۹۷) از این رو، بن‌مایه‌ها عناصری در قصه هستند که به مرور زمان و به دلیل تکرار به جوهرهایی نمونه‌وار در ادب عامه تبدیل شده‌اند.

طبق نظر برخی پژوهشگران، بن‌مایه‌ها می‌توانند طرح داستانی يك روایت را نیز مشخص سازند. رابرت اسکولز طرح داستان را حاصل جمع بن‌مایه‌هایی می‌داند که به ترتیبی تنظیم می‌شوند تا عواطف خواننده را درگیر نگه دارند و درون‌مایه را بپرورند، او سپس کارکرد زیبایی‌شناختی طرح را نیز وابسته به این می‌داند که توجه خواننده را به بن‌مایه‌ها جلب کند. (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۱۶)

بن‌مایه‌ها اغلب از داستانی به داستان دیگر و یا حتی از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شوند و درست به همین دلیل، کمتر صورت ابداعی دارند. چه بسیارند بن‌مایه‌هایی که در فرهنگ‌های مختلف مشترک‌اند. (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۸) از این رو، به خاطر همین اشتراکات است که می‌توان فهرستی از بن‌مایه‌های داستانی در هر فرهنگ و هر سنت روایی ترتیب داد که گاه در بیشتر بن‌مایه‌ها با بن‌مایه‌های جهانی هم‌سویند و گاه نیز يك یا چند ویژگی خاص دارند که آن‌ها را از بن‌مایه‌های دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد. امروزه توجه به بن‌مایه به عنوان اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی اسطوره، فولکلور و ادبیات بسیار مورد توجه است. طبق نظر لوی اشتراوس، که امروزه آراءش برای مطالعات اسطوره‌شناسی مورد توجه بسیاری است؛ «برای مطالعه‌ی اسطوره، به منظور غور در سطوح عمیق‌تر جریان‌های منطقی و عقلانی، باید رابطه‌ی اجزاء ترکیب‌شونده‌ی يك اسطوره را مطالعه کرد». (بهار، ۱۳۷۵: ۳۶۷)

از سوی دیگر، لوی اشتراوس در قصه به دیده‌ی اسطوره‌ی «ضعیف» می‌نگرد. (باستید، ۱۳۹۱: ۱۲۵) بنابراین، بن‌مایه‌ها در قصه به عنوان عناصر تکرار‌شونده، همان نقش اجزای ترکیب‌شونده در اسطوره را بازی می‌کنند که امروزه مورد مطالعه‌ی پژوهشگران بسیاری است.

از طریق مطالعه و طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها می‌توان سیر تطور، تکامل، تأثیرپذیری و بقای بن‌مایه‌ها را فارغ از شکل ظاهری و ساختاری قصه‌ها و اسامی خاص در دوره‌های مختلف بررسی کرد و فهرست روشنی از بن‌مایه‌ها را به دست داد که زمینه را برای ریشه‌یابی آن‌ها آسان‌تر کند.

از آن‌جا که شیوه‌ی تامسون در ادامه‌ی فهرست تیپ‌های قصه فراهم آمد، این پرسش مطرح می‌شود که تفاوت اساسی يك بن‌مایه و يك تیپ قصه چیست؟ داندس می‌نویسد: «در قصه‌های ساده در واقع تفاوتی بین این دو وجود ندارد، اما در قصه‌های پیچیده‌تر با توالی‌های داستانی گسترده‌تر، این تمایز معنا دار می‌شود. یکی از تفاوت‌های کلیدی میان



يك بن مایه و يك تیپ قصه این است که اصولاً فرض می‌شود تمام روایت‌های يك تیپ قصه در اساس از يك نقطه سرچشمه می‌گیرند، در حالی که تمام روایت‌هایی که زیر يك بن مایه‌ی سرعنوانی فهرست می‌شوند، ممکن است از يك نقطه سرچشمه بگیرند یا نگیرند، هم‌ریشه باشند یا نباشند. برای مثال هر قصه‌ای درباره‌ی «منشأ خورشید» می‌تواند زیر بن مایه‌ی «خلقت خورشید» قرار بگیرد، حال قصه‌های مربوط به آن ممکن است از يك سرچشمه منشعب شده باشند یا نشده باشند، تنها در فرهنگ يك ملت خاص دیده شوند و یا در سراسر دنیا داستان‌هایی با آن بن مایه وجود داشته باشند. از سوی دیگر، رجوع به فهرست بن مایه‌ها علمی تر هم به نظر می‌رسد، زیرا فهرستی که تامسون از بن مایه‌ها گردآوری کرده است تقریباً پوششی از قصه‌های جهانی دارد، در حالی که فهرست طبقه‌بندی تیپ‌های قصه، تنها قصه‌های اروپایی را در برمی‌گیرد». (داندس، ۱۹۹۷: ۹-۱۹۷)

### ۳- فهرست طبقه‌بندی بن مایه‌ها

جمع‌آوری قصه‌های عامیانه در اروپا پیش از قرن هجدهم آغاز شده بود، سپس در قرن نوزدهم تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی قصه‌ها صورت گرفت و این طبقه‌بندی تیپ‌های قصه بود که به طبقه‌بندی بن مایه‌ها منجر شد. طبقه‌بندی تیپ‌های قصه در فنلاند و در پایان قرن نوزدهم آغاز شد یعنی همان جایی که توجه به ادب عامه، توجه به هویت ملی فنلاندی به شمار می‌آمد. جولوس کرون، روش تاریخی - جغرافیایی را به کار گرفت تا روایت‌های گوناگون شعرهای حماسی «کالوالا» را با يك دیگر مقایسه کند. او روایت کالوالا را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کرد و توزیع جغرافیایی آن‌ها را مورد مطالعه قرار داد تا بدین وسیله مکان اولیه هر سروده را بیابد. پس از او پسرش، کارل کرون، این روش را برای مطالعه‌ی قصه‌های عامیانه و بررسی‌های تطبیقی و تاریخی مورد استفاده قرار داد. شاگرد او، آنتی آرنه، از طریق این روش سیستمی را برای فهرست‌بندی قصه‌ها بر اساس تیپ آن‌ها، پایه‌گذاری کرد که بعدها توسط استیث تامسون، فولکلوریست آمریکایی، گسترش یافت. تامسون بر اساس همین نوع طبقه‌بندی دست به فهرست نویسی بن مایه‌های ادب عامه زد. دلیل این که تامسون نوشتن فهرست بن مایه‌ها را آغاز کرد، این است که در اعتراف خود او «در حدود بیش از نیمی از تیپ‌های قصه در طبقه‌بندی قصه‌ها، تنها يك «بن مایه‌ی روایی» دارند». (داندس، ۱۹۹۷: ۱۹۷)

تامسون از روش طبقه‌بندی و شماره‌گذاری کتب بر اساس روش کتابخانه‌ای دیویی (که



بر اساس آن شماره گذاری کتب با اعداد سه رقمی صورت می گیرد و تقسیمات فرعی کتب بعد از ممیز اعشاری مشخص می گردد) سود می جوید تا فهرستی از بن مایه ها بسازد که در هر زمان و با هر پژوهشی بر روی قصه های ملل، قابل گسترش باشد. (تامسون، ۱۹۷۷: ۴۲۵)

فهرست بن مایه های ادبیات عامیانه ی تامسون يك مرجع شش جلدی و سلسله مراتبی است؛ یعنی گروه های بزرگی از بن مایه ها مثل (پیدایش عالم یا حیوانات) به گروه های کوچک تر مثل (آسمان ها، زمین، حیوانات اسطوره ای، حیوانات جادویی) تقسیم بندی می شوند. آخرین نسخه ی این فهرست بیش از ده ها هزار بن مایه را در برمی گیرد و هنوز هم در حال گسترش است.

در گسترش بن مایه ها، محققان باید تصمیم بگیرند که چه چیزی يك بن مایه یا گروهی از بن مایه ها و یا زیرگروه های بن مایه ای را می سازد. باومن در این باره مثالی را ذکر می کند: «بن مایه ی E ۳۸۴: «روح به وسیله ی موسیقی احضار می شود»؛ که این يك بن مایه ی کلی است و به دو زیر گروه تقسیم می شود: E ۱/۳۸۴: «روح به وسیله ی طبل احضار می شود» و E ۲/۳۸۴: «روح با سوت زدن برمی خیزد». از آن جایی که تنها تفاوت میان این دو بن مایه، نوع موسیقی است، به نظر می رسد که قصه ی اصلی، احضار روح باشد به وسیله ی موسیقی و نیز به نظر می رسد که نوع موسیقی - اگر چه در جای خود جالب توجه است - آن قدر تمایز برانگیز نباشد که قصه ای جداگانه بسازد. درحالی که بن مایه ی E ۳۸۴ يك قصه در زبان انگلیسی به شمار می رود، برای آن دو روایت موجود است که دو زیرگروه این بن مایه را شکل می دهند». (باومن، ۱۹۶۶: ۱۹ مقدمه)

تامسون تلاش می کند تا در طبقه بندی خود، عناصر ادبیات روایی سنتی را در يك فهرست منطقی منفرد گردآوری کند. برخی حوزه ها که در جمع آوری بن مایه های گوناگون او را یاری رسانده اند، شامل: ادب عامه و اسطوره، افسانه های محلی، رومانس های قرون وسطی، افسانه های مربوط به افراد مثالی و مقدسان، کتاب های لطیفه و رمان، افسانه های موزون، سروده های افسانه ای و گلچین های ادبی بوده است. این حوزه ها از سنت های روایی مختلفی مانند اروپا، خاورمیانه، هند، خاور دور، اقیانوسیه، سرخ پوستان آمریکای شمالی و جنوبی و آفریقا فراهم آمده است.

تامسون پس از جمع آوری بن مایه ها، آن ها را در بیست و سه فصل به شرح زیر طبقه بندی کرده است:



- ۱- بن‌مایه‌های اسطوره‌ای که مربوط به خلقت، طبیعت جهان، خالقان، خدایان و نیمه خدایان هستند و با حرف A نشان داده می‌شوند.
- ۲- بن‌مایه‌هایی که مربوط به جانوران و به سخنی دقیق‌تر اعمال آن‌هاست. جانورانی که در این فصل ظاهر می‌شوند، جانورانی هستند که به نوعی قابل توجه‌اند؛ مثلاً جانوران اساطیری مانند اژدها و جانوران جادویی با اعمال انسانی. قلمروهای جانوران و نیز ازدواج با آن‌ها هم در این فصل جای می‌گیرد. بن‌مایه‌های این فصل با حرف B نشان داده می‌شوند.
- ۳- بن‌مایه‌های مربوط به تابو و چیزهای ممنوع که با حرف C نشان داده می‌شوند.
- ۴- بن‌مایه‌های مربوط به جادو که گسترده‌ترین گروه را در برمی‌گیرد و با حرف D نشان داده می‌شوند.
- ۵- بن‌مایه‌های مرتبط با مرگ مثل احیاء و به هوش آوری، اشباح و نیز تناسخ که با حرف E نشان داده می‌شوند.
- ۶- بن‌مایه‌های مرتبط با شگفتی‌ها و عجائب مثل سفر به دنیاهای دیگر، موجودات عجیب مانند پریان، ارواح و دیوان، مکان‌های عجیب مثل قصرها، دریاها و اشخاص و وقایع شگفت و با حرف F نشان داده می‌شوند.
- ۷- در این فصل بن‌مایه‌های مربوط به موجودات ترسناک مثل غول‌ها و جادوگران جای می‌گیرند و با حرف G نشان داده می‌شوند.
- ۸- بن‌مایه‌های این فصل مربوط به آزمون‌هایی مثل آزمون هویت، معماها، آزمون هوش، آزمون انجام کارهای مختلف، جستجوها و آزمون دل‌آوری هستند و با حرف H نشان داده می‌شوند.
- ۹- بن‌مایه‌های این فصل در واقع بن‌مایه‌های سه فصل ادغام شده است: خرد، هوش و نادانی و با حرف I نشان داده می‌شوند.
- ۱۰- بن‌مایه‌های مربوط به فریب‌کاری و اغوا مانند اعمال دزدان و حقه‌بازان، اسارت‌ها و فرارهای فریب‌کارانه، فریب دادن افراد، تغییر قیافه دادن و نیز توهم‌ها. بن‌مایه‌های این فصل با حرف K نشان داده می‌شوند.
- ۱۱- بن‌مایه‌های مربوط به تغییر طالع یا سرنوشت؛ مثل پیروزی کودکی ناامید و یا زوال غرور مغروران. بن‌مایه‌های این فصل با حرف L نشان داده می‌شوند.
- ۱۲- بن‌مایه‌های مربوط به ترتیب دادن آینده با قضاوت‌ها، معاملات، قول‌ها و پیمان‌های غیر قابل فسخ. بن‌مایه‌های این فصل با حرف M نشان داده می‌شوند.

۱۳- بن‌مایه‌های مربوط به بخت و شانس و نقش آن در روایات شفاهی؛ مثل داستان‌هایی درباره‌ی قمار و یاری دیدن‌های شیطانی. بن‌مایه‌های این فصل با حرف N نشان داده می‌شوند.

۱۴- بن‌مایه‌های مرتبط با سیستم اجتماعی و پادشاهی. البته تمام چیزهایی که درباره‌ی شاهان و شاهزادگان در قصه‌ها آمده است، در این فصل جای نمی‌گیرند بلکه تنها بن‌مایه‌هایی مانند رسوم مربوط به پادشاهان یا ارتباط میان طبقه‌های اجتماعی، شغل و غیره در این فصل قرار دارند. نمونه‌هایی از ارجاع متقابل هم در این فصل جای دارد. بن‌مایه‌های این فصل با حرف P نشان داده می‌شوند.

۱۵- بن‌مایه‌های مرتبط با پادشاهان و کیفرها. بن‌مایه‌های این فصل با حرف Q نشان داده می‌شوند.

۱۶- بن‌مایه‌های مرتبط با اسرا و تبعیدی‌ها. بن‌مایه‌های این فصل با حرف R نشان داده می‌شوند.

۱۷- بن‌مایه‌های مرتبط با ظلم و ستم‌های عظیم و بی‌شمار. بن‌مایه‌های این فصل با حرف S نشان داده می‌شوند.

۱۸- بن‌مایه‌های مرتبط با جنسیت و ازدواج؛ مثل خواستگاری و عشق‌بازی، روابط زناشویی، زندگی متأهلی و تولد فرزندان. بن‌مایه‌های این فصل با حرف T نشان داده می‌شوند.

۱۹- بن‌مایه‌هایی که از سروده‌های افسانه‌ای (فابل) جمع‌آوری شده‌اند؛ مثل توجه و گرایش به وعظ و پند و اندرز. بن‌مایه‌های این فصل با حرف U نشان داده می‌شوند.

۲۰- بن‌مایه‌های مرتبط با تفاوت‌های مذهبی یا عبادت‌های خاص. بن‌مایه‌های این فصل با حرف V نشان داده می‌شوند.

۲۱- بن‌مایه‌های مربوط به ویژگی‌های شخصیت‌ها. بن‌مایه‌های این فصل با حرف W نشان داده می‌شوند.

۲۲- بن‌مایه‌هایی که مربوط به وقایع کاملاً فکاهی هستند. بن‌مایه‌های این فصل با حرف X نشان داده می‌شوند.

۲۳- و در نهایت فصلی که به طبقه‌بندی‌های آینده در پژوهش‌های آتی اختصاص یافته است.

بن‌مایه‌های این فصل با حرف Z نشان داده خواهند شد. (تامسون، ۱۹۵۵-۵۸: ۲۷-۹)

به دلیل این که بن‌مایه‌های بسیاری در فصل‌های مختلف فهرست بن‌مایه‌ها با یک دیگر مرتبط هستند، این ارتباط با ارجاع متقابل (cross-reference) و علامت (cf.) (ر.ک. رجوع کنید) در متن نشان داده شده است.

#### ۴- لزوم طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های ایرانی

«توجه به این گونه فهرست‌ها و طبقه‌بندی‌ها به عنوان پیش‌نیازی برای شرح و تفسیر قصه‌ها، لازم به نظر می‌رسد. به علاوه، فهرستی ویژه برای هر فرهنگ یا کشوری می‌تواند راهنمای مطالعات میدانی و یا فهرستی جامع را برای پژوهشگران آینده فراهم آورد». (داندس، ۱۹۹۷: ۲۰۰)

«اهمیت فراوان مجموعه‌های بزرگ قصه‌های شرقی مانند سندبادنامه، کلیله و دمنه و یا هزار و یک‌شب، از دیرباز بر همگان آشکار است. از این‌ها گذشته همه بر این واقعیت آگاهی کامل دارند که به موازات این تدوین‌های قدیمی قصه، باز روایاتی شفاهی هم وجود دارد که به عنوان بقایا یا انعکاس منابع کتبی از دست رفته امروز می‌توانند دارای اهمیت باشند». (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۲)

از دو سخن بالا اهمیت طبقه‌بندی داده‌های قصه‌های عامیانه به ویژه قصه‌های شرقی آشکار می‌شود. در کشور ما، مطالعات ادب عامه کمتر مورد توجه و تدقیق قرار گرفته است. در نتیجه بررسی و فهرست‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های عامیانه به غیر از این که می‌تواند راهگشای پژوهش‌هایی در زمینه‌ی شناخت و ماهیت فولکلور ایرانی باشد، به منزله‌ی متممی نیز برای فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های تامسون به شمار می‌آید. در ادامه مثالی از فهرست‌بندی بن‌مایه‌ها در داستان طلسم جمشید از کتاب بوستان خیال ارائه می‌شود که شرح این پاره از داستان در کتاب ادبیات عامیانه‌ی ایران، مجموعه مقالات دکتر محمدجعفر محبوب به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، صفحه‌ی ۷۸۶ آمده است.

#### ۵- طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌ی طلسم جمشید

قصه‌ی طلسم جمشید در کتاب عظیم و پانزده جلدی بوستان خیال نوشته‌ی محمدتقی جعفری حسینی متخلص به خیال در قرن دوازده هجری - قمری آمده است. این نویسنده در پرداختن طلسم‌های عجیب مهارت دارد، کتاب عظیم او تاکنون به چاپ نرسیده است و نسخه‌ی خطی آن در کتاب‌خانه‌ی دیوان هند در لندن موجود است. به هر حال این قصه

بر اساس طلسمی روایت می‌شود که به گفته‌ی کتاب، جمشیدشاه آن را در کوه قاف برپا ساخته بود. آغاز روایت داستان از این قرار است که «از زمان جمشیدشاه کیانی آدمیان با دیوان اختلاط داشتند. بنابراین جمشید به سیر قاف آمد و صد حکیم در رکاب او بودند. وقت مراجعت حکیمان را به خاطر رسید که نشانی از خود در قاف بنا کنند. جمشید خود نیز حکیم بود، در این امر به جد ایستاد. به استمداد جنیان در این سرزمین طلسمی ساختند و آن را طلسم مشتاق جمشید نام گذاشتند. طلسم از چشم مردم ناپدید است، لیکن از آثار او چشمه‌ای ظاهر است و او را جام جمشید می‌گویند و بالای چشمه درخت اناری است و جامی مرصع به شاخی از آن به ریسمان زرین آویخته‌اند. هر که خواهد که تماشای آن طلسم کند آن جام را گرفته از آب چشمه پر کرده بنوشد. به مجرد نوشیدن، تختی از هوا بر دوش پری‌زادان نمودار می‌شود و نازنین صنی بر او نشسته باشد. آن شخص را سوار کرده می‌برد. خدا داند کجا می‌برد برای این پری‌زادانی که او را تعاقب کرده بودند پره‌ای ایشان سوخته بود. (توضیح این که مکان چشمه در کوه قاف است و ساکنان اطراف چشمه هم پری‌زادند.) از آن وقت مسدود شد، دیگر کسی تعاقب نکرد. اما روز دیگر باز آن شخص را بر سر چشمه می‌آرند. او باز جامی پر کرده می‌خورد. باز تخت دیگر پیدا شده او را می‌برد. به همین دستور تخت و نازنین رسیده او را می‌برند. اگر برشش جام اکتفا کرد آفتی به او نمی‌رسد. رنگ قوت او ده چند می‌شود و اگر آزاری باشد برطرف می‌شود. لیکن در هر جام شوق زیاده می‌شود و ممکن نیست که جام هفتم نخورد. لیکن ای سلطان شنیدن نقل طلسم شوق دیدن می‌آورد و با دیدن چشمه دل به خوردن جام می‌کشد و خوردن يك جام شش دیگر را لازم دارد. همین که جام هفتم را خورد دیوانه شود تا هفت روز هر کجا خواهد بگردد و چیزی نخورد و روز هشتم به سر چشمه رسیده خود را در او می‌اندازد و دیگر از او نشانی پیدا نمی‌شود.» (محبوب، ۱۳۸۷: ۷-۷۸۶)

خلاصه این که هر کس جام آبی از چشمه بنوشد، پری‌زادان زیبارو او را به سرزمین خود می‌برند. آن فرد هر بار که جامی از چشمه می‌خورد، عاشق پری‌زادی زیبارو تر می‌گردد که او را به وصال خود پس از خوردن جامی دیگر از آب و عده می‌دهد و چون جام هفتم را می‌خورد، دیوانه می‌شود، راه بیابان قاف در پیش می‌گیرد و قصد هلاک خود می‌کند. در این قصه خطاب به سلطان صاحب‌قران، محمد مهدی، قهرمان اول بوستان خیال است که بالأخره او نیز همراه شاهزادگان و یاران گرفتار طلسم جمشید می‌شود.

نگارنده در این جا تلاش می کند تا برخی از بن مایه های این داستان را بر اساس فهرست بن مایه های تامسون دسته بندی نماید. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که فهرست تامسون يك فهرست بین المللی است که با حروف الفبای لاتین شماره گذاری شده است و از آن جا که هر فهرستی که در هر سرزمینی تهیه می گردد باید به مثابه ضمیمه ای بر این فهرست تلقی شود، نگارنده نیز از تغییر الفبای شماره گذاری آن چشم پوشی کرده است. برخی از بن مایه ها با علامت ستاره (\*) مشخص شده اند، این بن مایه ها در فهرست تامسون نیستند، اما از آن جا که اساس فهرست بر این قرار دارد که هر گاه بن مایه ای جدیدی پیدا شد آن را با علامت ستاره مشخص سازند و بعداً به اصل فهرست بیفزایند، نگارنده نیز چنین کرده است. پیدا شدن بن مایه های نو در این پاره ی داستانی نشان دهنده ی این است که قصه های ایرانی توانی بالقوه در افزودن بسیاری بن مایه های نو به فهرست جهانی دارند و می توانند سبب غنای آن گردند. از سوی دیگر هر بن مایه ای که با بن مایه ی دیگری مرتبط است با علامت (ر.ك.) به معنای رجوع کنید، معرفی می گردد تا پژوهشگر بتواند همه ی بن مایه های مربوط به يك موضوع را در کنار هم ببیند. صفحات ارائه شده در پایان هر بن مایه نیز ارجاعی است به کتاب ادبیات عامیانه ی ایران که نگارنده از آن به عنوان منبع قصه ی طلسم جمشید بهره برده است.

همان طور که پیشتر گفتیم هر مجموعه از بن مایه ها با سرعنوانی معین از دیگر بن مایه ها جدا می گردند. سرعنوان هایی که در قصه ی طلسم جمشید یافت شد شامل C (تابو یا موارد منع شده)، D (جادو)، F (عجائب) و G (دیوان) بودند. اکنون به معرفی برخی بن مایه های این داستان می پردازیم. (تابو یا موارد منع شده)

۱- C ۲۲۵/۱: تابو؛ خوردنی منع شده؛ خوردن دانه های انار که سبب زیاده شدن شوق نوشیدن آب چشمه می شود؛ داستان طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه ی ایران؛ صص. ۷۸۸، ۷۹۰ و ۷۹۱

۲- C ۲۶۱: تابو؛ نوشیدنی منع شده؛ نوشیدن از چشمه ای خاص؛ نوشیدن آب به ویژه جام هفتم از آب چشمه ی جام جمشید؛ داستان طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه ی ایران؛ صص. ۸۱۲-۷۸۷

۳- C\* ۶/۶۱۵: مکان ممنوعه؛ چشمه ی ممنوعه؛ داستان طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه ی ایران؛ صص. ۷۸۶ (ر.ك. D ۱/۹۲۵، \* F ۷۱۶/۶) (جادو)

۴- D ۱/۹۲۵: چشمه‌ای که با جادو ساخته شده است؛ چشمه‌ی جام جمشید که برای ناپدید ساختن طلسم مشتاق ظاهر شده است و غسل در آب آن بدن‌ها را روئین سازد؛ داستان طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۸۶، ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۴ (ر.ک. \*C ۶/۶۱۵، \*F ۶/۷۱۶)

۵- D ۱۱۷۱: جام جادویی؛ آن جام که در آن آب نوشند و جادو شوند، به درخت انار آویخته شده است، نه شکسته می‌شود، نه معدوم می‌گردد، هر جا که بگذارند بر سر درخت می‌رود؛ داستان طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ ص. ۷۸۸  
 ۶- D ۲/۱/۲/۱۳۵۵: آب جادویی شهوت می‌افزاید؛ آب جادویی چشمه سبب مایل شدن انسان‌ها به پریان می‌شود؛ داستان طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۹۲-۸۱۲

۷- D ۱۹۰۰: القای عشق به وسیله‌ی جادو؛ نوشیدن آب جادویی چشمه سبب القای عشق پریان در قهرمانان داستان می‌شود؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۹۲-۸۱۲ (عجائب)

۸- \*F ۱/۱/۱۱۰: سفر شگفت‌انگیز؛ سفر به سرزمین پریان یا عجبستان؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ ص. ۷۹۶

۹- F ۲۰۰: پریان؛ پریان قصه که قهرمانان داستان را به خود عاشق می‌سازند و آنان را گرفتار سرزمینشان می‌کنند؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۹۲-۸۱۲

۱۰- \*F ۴/۲۱۹: سرزمین پریان پس از پروازی شش ساعته در هوا نمودار می‌شود؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ ص. ۷۹۶

۱۱- \*F ۴/۲۲۲: قلعه پریان ساخته شده از زمرد و یاقوت است؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ ص. ۷۹۶

۱۲- \*F ۵/۲/۲۳۴: پریان در شکل زنان زیبارو؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۹۲-۸۱۲

۱۳- F ۳۲۰: پریان انسان‌ها را به سرزمین خود می‌برند؛ نمودار شدن تختی بر دوش پریزادان و بردن قهرمانان به سرزمین خودشان پس از نوشیدن آب چشمه؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۸۷، ۷۹۱، ۷۹۵

۱۴- \*F ۶/۷۱۶: چشمه‌ی غیرعادی؛ چشمه‌ای که انسان‌ها با نوشیدن آب آن جادو



می‌شوند، چشمه‌ای که هشت در هشت است و دور آن را به سنگ بلور و یشم و امثال آن برآورده‌اند، از این چشمه آوازی بلند می‌شود که آدمیان را به خوردن آب ترغیب می‌کند و غسل در آب آن بدن‌های قهرمانان را روین می‌سازد؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۸۶، ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۴ (ر.ک. \* C ۶/۶۱۵، D ۱/۹۲۵)

۱۵- \* ۳/۷/۸۱۱ F: درختی با میوه‌های غیرعادی؛ درخت انار که میوه‌هایش شوق نوشیدن آب چشمه را زیاد می‌کند و شاخه‌های آن بر بدن دیوان کار شمشیر می‌کند؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۴ (ر.ک. \* C ۱/۲۲۵) (دیوان)

۱۶- \* ۳/۴۷۵ G: دیوان نگهبان چشمه که نمی‌گذارند کسی به حریم چشمه تجاوز کند؛ طلسم جمشید از بوستان خیال؛ ادبیات عامیانه‌ی ایران؛ صص. ۷۸۸، ۷۹۰

#### ۶- نتیجه‌گیری

بررسی سه نظام عمده‌ی طبقه‌بندی عناصر ادب عامیانه نشان می‌دهد که نظام طبقه‌بندی قصه‌ها بر اساس تیپ یا گونه‌ی قصه و ریخت‌شناسی قصه‌ها که بر پایه‌ی اجزای سازنده‌ی آن‌ها از دیدگاه ساختارشناسی است، در حوزه‌ی ادب عامیانه‌ی سرزمین ما بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما طبقه‌بندی بن‌های قصه‌ها که در تکمیل نظام نخست پا به عرصه‌ی وجود نهاد، کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است.

ادبیات عامیانه‌ی ایران با آن گستردگی و حجم انبوه قصه‌ها و روایت‌ها نیاز به طبقه‌بندی و فهرست شدن دارد، فهرستی که بتواند انبوه بن‌های آن را در کتابی ویژه و مرجع گردآوری نماید تا بدین وسیله مطالعه، تحقیق و بررسی مواد خام این قصه‌ها آسان‌تر گردد و فضا برای مطالعه‌ی تطبیقی آن‌ها با نمونه‌های مشابه در جهان باز گردد.

یکی از فهرست‌های عظیم جهانی فهرست طبقه‌بندی بن‌های داستان‌های عامیانه است که استیث تامسون بنیان‌گذار آن است. این شیوه‌ی کمتر شناخته شده در کشور ما، می‌تواند قصه‌های عامیانه‌ی فارسی را سامانی بخشد و نیز به عنوان ضمیمه‌ای، فهرست جهانی بن‌های را پر بارتر گرداند.

با بررسی مثالی از یک قصه‌ی عامیانه به این نتیجه دست یافتیم که این شیوه‌ی طبقه‌بندی کاملاً بر روایات ایرانی منطبق است و به کمک آن مواد خام قصه‌ها به شیوه‌ی علمی فهرست می‌شوند تا راه برای مطالعات آینده هموار گردد.

## فهرست منابع و مآخذ

- اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: آگاه.
- باستید، روژه، (۱۳۹۱)، دانش اساطیر، ترجمه‌ی جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: توس.
- بهار، مهرداد، (۱۳۷۵)، پژوهشی در اساطیر ایران (پاره‌ی نخست و پاره‌ی دوم)، چاپ اول، تهران: آگه.
- بهنام، مینا، (۱۳۸۹)، «ریخت‌شناسی داستان حسنک وزیر به روایت بیبقی»، مجله‌ی پژوهش‌های ادب عرفانی (گوه‌ر گویا)، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی یکم، (از ص ۱۳۱ تا ص ۱۵۰)
- پارسانسب، محمد، (۱۳۸۸)، «بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و...»، فصل‌نامه‌ی نقد ادبی، سال اول، شماره‌ی پنجم، (از ص ۷ تا ص ۴۰).
- پراپ، ولادیمیر، (۱۳۸۶)، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران: توس.
- جلالی‌پور، بهرام، (۱۳۹۱)، ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه‌ی فردوسی، چاپ اول، تهران: افراز.
- حق‌شناس، علی‌محمد و پگاه خدیش، (۱۳۸۷)، «یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره‌ی پنجاه و نهم، شماره‌ی دوم، (از ص ۲۷ تا ص ۳۹).
- خائفی، عباس و جعفر فیضی‌گنجین، (۱۳۸۶)، «تجزیه و تحلیل قصه سمک عیار بر اساس نظریه‌ی ولادیمیر پراپ»، مجله‌ی پژوهش‌های ادبی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی هجدهم، (از ص ۳۳ تا ص ۵۱).
- قربانی، خاور و کیوان گورک، (۱۳۹۲)، «ریخت‌شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتابون»، پژوهش‌نامه‌ی ادب غنایی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی بیستم، (از ص ۲۳۹ تا ص ۲۵۴).
- کوبا، فاطمه و عاطفه‌سادات موسوی، (۱۳۸۹)، «تجزیه و تحلیل حکایاتی از کوش‌نامه بر اساس نظریه‌ی ولادیمیر پراپ»، فصل‌نامه‌ی تخصصی پیک‌نور، زبان و ادبیات فارسی، سال اول، شماره‌ی یکم، (از ص ۱۰۳ تا ص ۱۲۲).
- مارزلف، اولریش، (۱۳۷۱)، طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه‌ی کی‌کاوس جهان‌داری، چاپ سوم، تهران: سروش.
- محبوب، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، ادبیات عامیانه‌ی ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، تهران: چشمه.
- نادری، افشین، (۱۳۸۳)، نمونه‌هایی از قصه‌های مردم ایران، چاپ اول، تهران: قصه.